

فرهاد نظری، سیاوش درودیان منزل ینگی امام، تلفیق باغ و کاروان سرا

در راه کرج- قزوین کاروان سرای متروکی هست به نام ینگی امام. بنا بر منابع تاریخی، این بنا از کاروان سراهای دوره صفویه است که در دوره قاجاریه در آن تغییراتی دادند و آن را به ترکیبی بدیع از مهمانخانه و باغ بدل کردند. لذا بنای قاجاری ینگی امام هم ترکیبی است از باغ و کاروان سرا و هم از نخستین مهمانخانه‌های ایران به سبکی متأثر از مهمانخانه‌های فرنگ. در این مقاله، سیر تحول این بنا را بررسی می‌کنیم.

۱. ینگی امام

۱-۱. موقعیت

روستای ینگی امام^۱ از توابع شهرستان ساوجبلاغ^۲ در فاصله سه کیلومتری شرق هشتگرد و در کنار جاده قدیم کرج- قزوین قرار دارد. ینگی امام سابقاً روستایی کوچک بوده و احتمالاً به دنبال توجه مردم به مزار امامزادگانی به نام هادی و علی نقی (ع) شکل گرفته است. آثار تاریخی این روستا اکنون یک تپه تاریخی، کاروان سرا، امامزاده و بخشی از حصار کهنه است که روزی قریه را محصور می‌کرده است.^۳ دسترس به این روستا از دو طریق ممکن است:

۱. از طریق جاده کرج- قزوین، که اکنون از جنوب کاروان سرا و تپه باستانی می‌گذرد.

۲. از راهی که از زیرگذر آزادراه کرج- قزوین (پیش از رسیدن به شهر جدید هشتگرد) آغاز و وارد بخش ینگی امام می‌شود و سپس به کاروان سرا و مجموعه تاریخی می‌رسد.

۱-۲. وجه تسمیه

نام این روستا را به دو شکل «ینگی امام» و «یتگه امام» ضبط کرده‌اند؛ اما در بیشتر موارد، آن را به صورت «ینگی امام»، بدون ذکر وجه تسمیه، آورده‌اند. تنها منابعی که در آنها توضیحی قانع‌کننده درباره وجه تسمیه ینگی امام آمده خاطرات حاج سیاح و میرزا حسین فراهانی است؛ هرچند که میرزا حسین فراهانی آن را ینگه امام و حاج سیاح ینگی امام نوشته است:

ینگی امام گویند؛ برای اینکه در این نزدیکیها یک نفر مدعی شده که در خواب دیده در آنجا امامزاده‌ای

کاروان سرای چهارایوانی ینگی امام بنا شده است منسوب به شاه عباس صفوی که در میانه راه تهران - قزوین در جوار تپه‌های تاریخی و مزار دو امامزاده بنا شده است. این کاروان سرا سه دوره رونق داشته است: دوره اول، زمان احداث آن در عهد صفویان؛ دوره دوم، قبل از حکومت محمدشاه قاجار؛ دوره سوم، مقارن با نخستین سفر ناصرالدین شاه قاجار به فرنگ. زمان دقیق حیات کاروان سرا در دوره دوم رونق آن بر ما روشن نیست؛ اما به احتمال، هم‌زمان با دوره حکومت فتح‌علی شاه و محمدشاه بوده است.

این بنا در دوره نخست کاروان سرائی چهارایوانی بود؛ در دوره دوم، بالاخانه‌ای بر فراز ایوان جنوبی آن ساختند و ورودی بنا را از ضلع شرقی به ضلع جنوبی منتقل کردند. در دوره سوم، هم‌زمان با احداث راه اریه‌رو تهران- قزوین در سال ۱۲۹۶ق. این کاروان سرا را طبق الگوی مهمانخانه‌های فرنگی تعمیر و تجهیز کردند و باغی به آن افزودند و از آن پس آن را «مهمانخانه» نامیدند.

کاروان سرا یا مهمانخانه ینگی امام از منزل‌های معتبر راه به شمار می‌آمد و بسیاری از رجال و سیاحان، حتی محمدشاه و مظفرالدین شاه قاجار، بدان جا رفته‌اند. این مهمانخانه بعد از سفر نخستین مظفرالدین شاه به فرنگ دچار حریق شد و بعد از آن متروک ماند.

مدفون است. پس گنبد و دستگاهی ساخته‌اند؛ دورش آبادی شده (ینگه به ترکی یعنی تازه).^۴

ارنست اورسلو (اورسل)،^(۱) سیاح بلژیکی که در سال ۱۳۰۰ق/ ۱۸۸۲م از قزوین به تهران آمد، می‌نویسد:

امامزاده، که نام خود را به دهکده نزدیک نیز داده است، در سمت راست جاده، کمی دورتر از چاپارخانه، واقع بود.^۵

میرزا حسین فراهانی هم می‌نویسد:

قریب به این مهمانخانه، بقعه‌ای است که از قدیم گنبدی ساخته بودند و گویند دو نفر از اولاد حضرت موسی بن جعفر در اینجا مدفون‌اند؛ و در آن زمان که این امامزاده‌ها در اینجا ظاهر شدند، چون تازگی داشتند، ینگه‌امام گفتند و این مکان به همین اسم موسوم گشت.^۶

در نوشته فراهانی، ینگه صورتی از ینگه و به معنی تازه و نو است؛ و اطلاق ینگه به شکل ینگه شاید بر اثر کثرت استعمال و بی توجه به معنی اصلی آن (ینگه به معنی همراه) باشد.

۳-۱. کاروان‌سرای ینگه‌امام

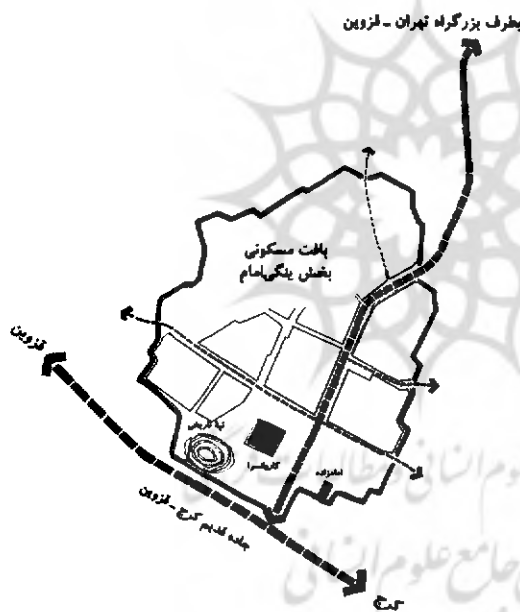
کاروان‌سرای ینگه‌امام از مزلهای معتبر راه تهران-قزوین است؛ در زمان صفویان ساخته و در دوره قاجار تعمیر و تجهیز شده است. این کاروان‌سرا در طول جغرافیایی ۵۰/۴۵ درجه و عرض جغرافیایی ۳۵/۵۴ درجه، در فاصله پانزده کیلومتری کمال‌شهر (غربی‌ترین نقطه کرج) و ۳/۵ کیلومتری هشتگرد قرار دارد.

کاروان‌سرای ینگه‌امام به شیوه رایج کاروان‌سراهای صفوی و با طرح چهارایوانی برپا شده و مساحت آن بالغ بر ۴۷۰۰ متر مربع و مساحت صحن مرکزی آن حدوداً ۳۸۷ متر مربع است. اضلاع شمالی و جنوبی صحن ۳۷/۵ متر و اضلاع شرقی و غربی آن ۳۷ متر است.

بنا آجری است و اجزایی چون ورودی، صحن، ایوان، حجره، اصطبل (شترخانه) و جز آن دارد. ورودی فعلی همان ورودی زمان صفویه است که در زمان قاجار مسدود شده بود. در پیرامون صحن، حجره‌های متعدد و در میانه هر ضلع ایوانی قرار دارد. در پس ردیف حجرات،



تاریخچه و نقشه کاروان‌سرای ینگه‌امام



ت ۱. (پایین) موقعیت کاروان‌سرای ینگه‌امام، مأخذ: نظری، «بررسی جایگاه فرهنگی کاروان‌سرا»، ص ۱۲۵

ت ۲. (بالا) دورنمای جوینکاری قریه ینگه‌امام و سردر قلعه واقع در آن محل است. (این عکس را احتمالاً از روی بام امامزاده برداشته‌اند) مأخذ: آلبرم‌خانه کاخ گلستان

(1) Ernest Orsello

دالانهایی برای جای دادن چهارپایان و اقامت مهتران و مانند آنان منظور شده است. محل تقاطع دالانها در چهار کنج بنا فضایی است با سقف گنبدی که به گوشه‌های حیاط مربوط می‌شود. کنجهای صحن - مدخل شترخانها - پنج‌خوردگی نیم‌قائمه دارد؛ یعنی صحن به شکل کشکولی نزدیک به هشت‌ونیم‌هشت است.

در مرکز صحن، حوضی مربع‌شکل و پاشویه‌دار به ضلع ۹/۷ متر قرار دارد و مجرای آبی که از بیرون کاروان‌سرا می‌آید و از گنبدخانه شمال شرقی می‌گذرد، به این حوض می‌رسد.

کاروان سرای ینگگی امام در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ به شماره ۲۱۷۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

۴-۱. مالکیت

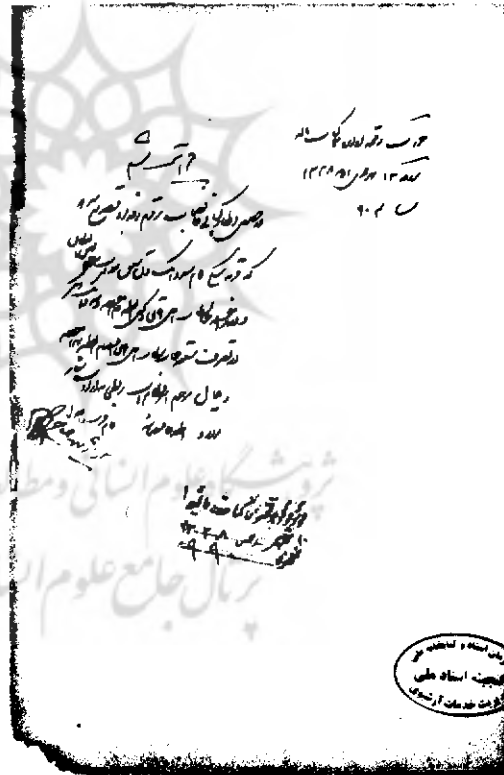
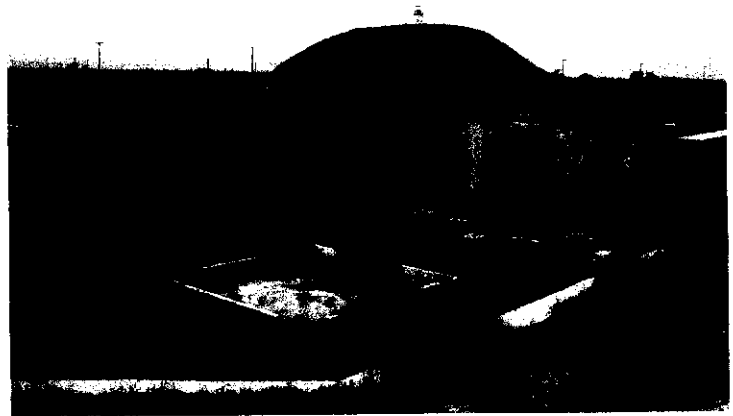
این بنا اکنون در اختیار سازمان میراث فرهنگی است؛ اما درباره مالکیت آن در گذشته، آنچه می دانیم محدود به خاطرات میرزا حسین خان دیوان بیگی است. او در اشاره‌ای گذرا، ینگگی امام را ملک صدر اعظم علی اصغر خان امین السلطان دانسته است:

در روز ۱۴ ذیقعه [۱۳۱۳ق]، به امر صدر اعظم رفتیم به قریه ینگگی امام، ملک صدر اعظم، تا جمعه ۲۳ [ذیقعه] در آنجا برای تشریفات ورود سلطنت جدید ماندیم.^۸

از این نوشته برمی آید که ینگگی امام جزو املاک علی اصغر خان امین السلطان اتابک بوده؛ ولی مشخص نمی شود که ملک موروثی او بوده و آن را از پدرش آقا ابراهیم امین السلطان به ارث برده، یا آن را بعدها تصرف کرده است.^۹

در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران چندین سند از دعاوی گوناگون هست که تا حدودی به روشن شدن قضیه کمک می کند. در یکی از آنها، مورخ ۱۳۲۸ش، سه دانگ ملک متعلق به امین السلطان و سه دانگ دیگر در تصرف اعتصام السلطنه و عیال امیر نظام یاد شده است.

در سندی از وزارت مالیه به تاریخ ۱۲۹۹ش، آمده که ینگگی امام به موجب فرمان سنه ۱۲۹۷ق به ملکیت مرحومین امین الملک و امین السلطان درآمده است. با توجه به اینکه این فرمان مورخ ۱۲۹۷ق است و در این زمان لقب امین الملک به میرزا علی خان (امین الدوله بعدی، صدر اعظم) و لقب امین السلطان به حاج ابراهیم (پدر اتابک) تعلق داشته است، موضوع تا حدودی روشن می شود. در سندی دیگر آمده که ینگگی امام ملک امین الدوله و امین السلطان بوده و در دوره هرج و مرج و ضعف دستگاه دیوانی، کسانی نظیر حاج علی آقا، که در اسناد از او نام برده اند، با حمایت سفارت روس آنجا را تصاحب کرده اند. در همین سند آمده است زمانی که ناصرالدین شاه به سفر اول فرنگ می رفت، اهالی به استقبالش آمدند و از ناامنی و اشرار به او شکایت بردند و او به تعمیر کاروان سرا دستور داد. به علاوه، باغ مهمانخانه نیز (به نام باغ مهمانخانه امین آباد) در همین دوره ساخته شد. اما بعداً



ت ۳. (بالا) نمای عمومی صحن کاروان سرا و تپه تاریخی مجاور

ت ۴. (پایین) سند مربوط به سال ۱۳۲۸ش. مأخذ: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۲۴ حجره کاروان سرا دور تا دور حیاط واقع شده و جلو هر یک ایوانچه‌ای با طاق آهنگ قرار دارد. کاروان سرا سابقاً چهار ایوان مشابه، در میانه اضلاع حیاط، داشته است؛ اما امروزه از آنها سه ایوان مانده که بر اثر تصرف دیگر یکسان نیستند. ایوان جنوبی در خلال تغییرات عهد قاجاریه از بین رفته است.^{۱۰}



ت ۵. (بالا) نمای ضلع شرقی کاروان سرا، در حاشیه عکس، این عبارات نوشته شده است: «عکس کاروان سراى قدیم شاه عباسی است واقع در قریه ینگی امام، که اکنون بجهت راه شوسه طرم طاس از دارالمخلافه به فرزین و گیلان، عمارت عالی درین کاروان سرا ساخته اند». تاریخ تهیه این عکس بعد از ۱۲۹۶ قی است. مأخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان



ت ۶. (پایین) اصطبل (شترخان) شمالی کاروان سرا، در دوره دوم رونق، تویزه های سقف اصطبل را با قوس نیم دایره اجرا کرده اند.

میرزا حسین فراهانی می گوید: «ینگه امام کاروان سرایی بود از بناهای سلاطین صفویه».^{۱۲} گرتروید بل هم بنای کاروان سرا را به زمان شاه عباس مربوط ساخته است:

این چاپارخانه ای معمولی نبود؛ ساختمان چهارضلعی مجلی بود که شخص نیکوکاری در زمان سلطنت شاه عباس ساخته بود و مقبره مجاور آن متعلق به امامزاده ای از اعقاب پیامبر بود.^{۱۳}

در روزنامه خاطرات عین السلطنه، در دوره نیابت سلطنت عضدالملک قاجار (۱۳۲۷ ق)، نیز به زمان احداث بنا اشاره شده است:

در ینگی امام برای تحصیل مشروبی پیاده شدیم. من و ملک آرا داخل کاروان سراى قدیم شاه عباسی، که حالا مهمانخانه شده و از سالهای قبل هم به مراتب مخروبه تر و کثیف تر [شده، رفتیم]. مدیر را صدا زده ما را به کاو [زیرزمین] دلالت کرد.^{۱۴}

میرزا حسین خان دیوان بیگی می نویسد: رفتیم به قریه ینگی امام، ملک صدراعظم [امین السلطان] تا جمعه ۲۳ [ذیقعدة ۱۳۱۳ ق] در آنجا برای تشریفات ورود سلطنت جدید ماندیم. مظفرالدین شاه در این

ینگی امام به دست امین السلطان افتاد و او تصدی آنجا را به دیگران واگذار کرد. باز در این سند آمده است که در سال ۱۲۶۸ ق کتابچه ای تهیه شده که در آن ینگی امام خالصه دولتی قلمداد شده است. در این سند، حدود ینگی امام نیز مشخص شده است. در این سند آمده که امین الدوله نصف ینگی امام را به امین السلطان فروخته است. این سند به امضای پیشکار کل مالیه ایالتی به سال ۱۲۹۹ ش است.

در سندی دیگر نیز نام حاج علی آقا تاجرباشی روس و محمدرحیم خان امیرتومان به عنوان مالکان روستا آمده و قید شده است که از ایشان خواسته اند سندی دال بر مالکیت خود ارائه کنند. در همین سند، از سندی دیگر نام برده اند که فرمان واگذاری ملک به امین الملک و حاج ابراهیم امین السلطان بوده است. این تنها سندی است که در آن نامی از حاج ابراهیم امین السلطان برده اند و هیچ توضیحی درباره امین الملک نیاورده اند. شاید منظور همان فرمان در سند قبلی باشد. به علاوه، در آن توضیح داده اند که غلام علی خان مهندس حدود آنجا را مشخص کرده؛ و به توقیف محصول هم اشاره کرده اند. شاید با توجه به این متون بتوان گفت که در سال ۱۲۶۸ ق و قبل از آن، ینگی امام جزو املاک خالصه بوده است؛ اما در تاریخی که چندان بر ما روشن نیست، ینگی امام را به میرزا علی خان امین الدوله امین الملک^{۱۵} (صدر اعظم بعدی) واگذار کرده اند و او چندی بعد قسمتی، یا شاید کل آن، را به حاج ابراهیم امین السلطان (پدر علی اصغر خان اتابک) فروخته است.

۲. سیر تحول تاریخی کاروان سرا

۱-۲. کاروان سراى چهارایوانی صفوی

بر مبنای بیشتر آراء و اخبار، کاروان سراى ینگی امام از بناهای دوره شاه عباس صفوی است. منابع ما برای تعیین تاریخ ساخت این کاروان سرا شامل گزارشها و سفرنامه های دوره قاجاریه و چند قطعه عکس مربوط به همان دوره است که از کاروان سرا و ملحقات آن برداشته شده و در حاشیه آنها اشاراتی دال بر صفوی بودن آن آمده است.^{۱۶} گزارشهای تاریخی درباره کاروان سراى ینگی امام بیشتر شامل سفرنامه های ایرانی و فرنگی است که در زمان قاجاریه تحریر شده است و در آنها یا مستقیماً از زمان ساخت کاروان سرا سخن گفته اند، یا در تعریف مسیر از آن یاد کرده اند.

۲-۲. مهمانخانه قاجاری

در زمان قاجاریه، چندین عکس از نماها و زوایای مختلف کاروان سرا برداشته‌اند که اطلاعات تازه‌ای درباره تغییر و تبدیلات این بنا عرضه می‌کند و ابهاماتی مانند مسقف نبودن ایوان و سردر ضلع جنوبی را رفع می‌کند. از تصاویر و گزارشهای متعدد تاریخی به دست می‌آید که در عهد قاجاریه به منظور سامان‌دهی راه تهران-قزوین^{۱۷} و تأسیس و تکمیل و تجهیز منزلگاههای آن، کاروان‌سرای ینگگی امام را طبق الگوی مهمانخانه‌های فرنگی تعمیر و تجهیز کردند. تا پیش از سال ۱۲۹۶ق، که راه تهران-قزوین تسطیح و تجهیز شد، خبری از مهمانخانه با الگو و معنای فرنگی در ایران نبود و مسافرخانه‌ها و منازل همان کاروان‌سراهای ایرانی بود. یاکوب ادوئارت پولاک^(۱) (۱۸۱۸-۱۸۹۱)، طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه که از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ در ایران زیست،^{۱۸} در این باره می‌گوید:

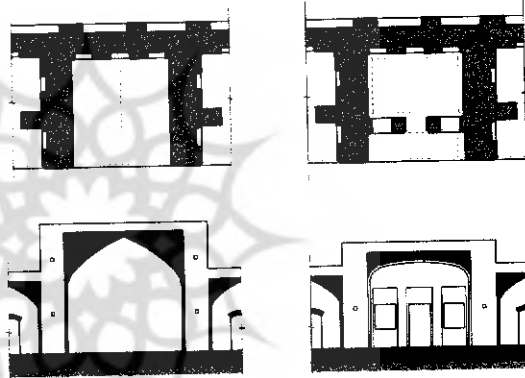
در اینجا از مهمانخانه به معنی و مفهوم اروپایی کسی خبر ندارد. همه در مسافرتها کلیه وسایل لازم و غیرقابل اجتناب را با خود برمی‌دارند: وسایل خواب، فرش، لوازم خورد و خوراک و غیره. [...] این کاروان‌سراها در کنار جاده‌های کاروان‌رو در فواصل هر پنج میل تعبیه شده است، که یا سلسله صفویه بنیان‌گذار آنهاست و یا موقوفة خصوصی مردم است.^{۱۹}

راه تهران-قزوین در سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ق بازسازی شد و ظاهراً یگانه راه کالسکه‌رو ایران در زمان خود بوده است:

تسطیح این راه و مهمانخانه و پلها و قراول‌خانه‌ها تماماً به اهتمام جناب امین‌السلطان و مراقبت آقا باقر [سعدالسلطنه] به اتمام رسید.^{۲۰}

در این زمان، در سمت جنوب کاروان‌سرا باغی ساختند: «در جلوی این سردر و کاروان‌سرا، باغ بزرگی احداث شده که قریب دوازده جریب است».^{۲۱} بقایای این باغ در عکس هوایی سال ۱۳۳۶ش دیده می‌شود.

چنان‌که در تصاویر دیده می‌شود، ورودی بنا به ضلع جنوبی انتقال یافته و بالاخانه‌ای چون عمارتهای قاجاری بر فراز ایوان جنوبی ساخته شده؛ اما مشخص نیست که این تغییر در چه زمانی روی داده است، زیرا در منابع مکتوب ما اشاره‌ای به ساخت بالاخانه و انتقال ورودی نشده است. با توجه به شواهد میدانی و آثار



ت ۷. (بالا) بخشی از باغ و بالاخانه‌های این فراز ایوان جنوبی. این عکس را از روی تپه مجاور برداشته‌اند. مأخذ: آئیوم‌خانه کاخ گلستان

ت ۸. (پایین) مقایسه بلان و نمای ایوان منزل ینگگی امام در دوره صفویه (چپ) و دوره قاجاریه (راست). مأخذ: نظری، بررسی جایگاه فرنگی کاروان‌سرا

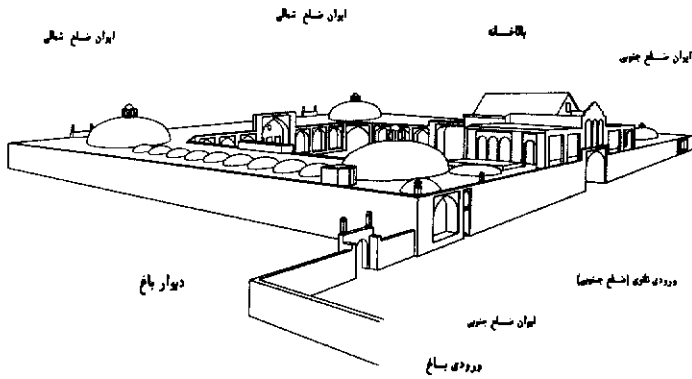
(2) Jakob Eduard Polak

روز وارد شد [...] خلاصه از هر قبیل تشریفات و سیورسات از شهر به آنجا از طرف صدر اعظم حمل شده بود؛ مخصوصاً در اتاق شاه که یکی از اتاقهای کاروان‌سرای آنجا، که از بناهای شاه عباس و الآن مهمانخانه و جای باصفایی است.^{۱۵}

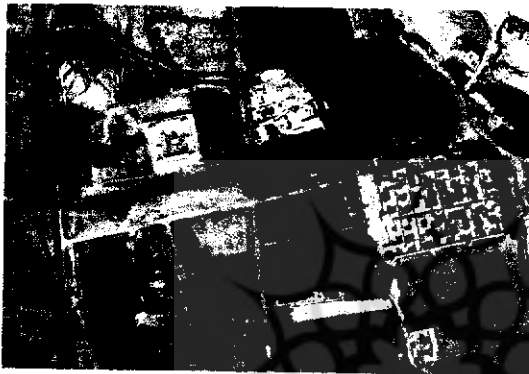
اعتمادالسلطنه در راه اروپا (در سفر سوم ناصرالدین‌شاه) در مهمانخانه ینگگی امام اقامت کرده و درباره آن در خاطرات روزانه‌اش نوشته است:

دوشنبه ۱۴ [شعبان سنه ۱۳۰۶ق]. منزل ینگگی امام و چهار فرسخ است. [...] خلاصه بعد از ناهار به راه افتادیم. منزل رسیدیم. منزل من مهمانخانه است. این کاروان‌سرای قدیم است مشهور به شاه عباس. تازه تعمیر کرده‌اند. همان‌خانه کرده‌اند. بدجایی نیست.^{۱۶}

علاوه بر این گزارشها، در حاشیه عکسهای قاجاری این بنا نیز آن را متعلق به دوره صفویان شمرده‌اند.



ت ۹. (بالا) تصویر سه بعدی مهمانخانه یکنی امام از روی ت ۸. مأخذ: نظری، «بررسی جایگاه فرهنگی کاروان سرا»



ت ۱۰. (پایین) عکس هوایی سال ۱۳۳۶ش. در این عکس، بقایای محدوده و تقسیمات باغ دیده میشود. در مرکز و در محل حوض فعلی، سایه ساختمانی دیده میشود که امروز نشانی از آن نیست

چنین استنباط می‌شود که این بنا پیش‌تر سردری داشته و در این زمان سردری عالی از نو ساختند. خاطرات بازگشت ممتحن‌الدوله از فرنگ چنین استنباطی را تأیید می‌کند. او در سال ۱۲۸۴ق که از پاریس به ایران باز می‌گشت، در راه در این کاروان‌سرا منزل کرد. در آن موقع، ورودی در ضلع جنوبی بنا بوده و بالاخانه‌ای بر فراز آن وجود داشته است:

دوسه شب در راه خوابیدیم — در همان منازل بی‌پیر کثیف. فقط در ینگه‌امام قبل از غروب آفتاب که وارد شدیم، کاروان‌سرایی عالی، قدیمی و آجری بود. خواستیم در بالاخانه سردرب آنجا منزل کنیم. دوسه نفر دهقان به ما گفتند در این کاروان‌سرا چند نفر اجنه منزل دارند. اگر شب را در اینجا بمانید، دور نیست از آنها به شما صدمه‌ای وارد آید. بهتر اینکه در امام‌زاده‌ای که نزدیک اینجاست منزل کنید و شب درها را ببندید که محفوظ بمانید.^{۲۳}

کاروان‌سرایی که ممتحن‌الدوله با آن مواجه شد، بنايي بود قابل سکونت؛ اما به قول فراهانی به علت نداشتن بانی تعمیر به تدریج خراب و کثیف و دزدگاه شده

مکتوب و تصاویر تاریخی، می‌توان چنین فرض کرد که این بنا مدتی پس از ساخت رو به ویرانی نهاد و در اوایل عهد قاجاریه آن را بازسازی و از آن استفاده کردند. مدتی بعد، به علت بی‌توجهی، باز دچار زوال و ویرانی شد؛ تا اینکه به منظور سامان‌دهی راه سلطنتی تهران- قزوین، آن را تعمیر و تجهیز کردند و در جهت جنوبی‌اش باغی محصور ساختند. میرزا حسین فراهانی مفصل‌تر از دیگران به سرگذشت این کاروان‌سرا می‌پردازد:

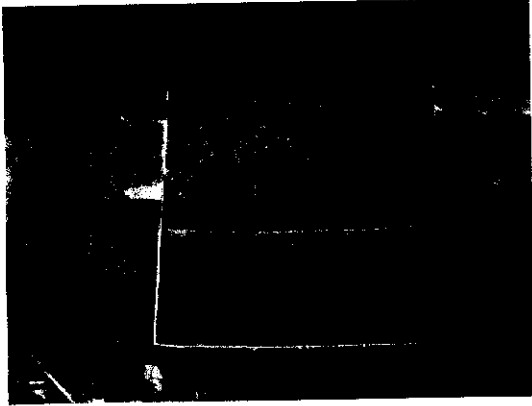
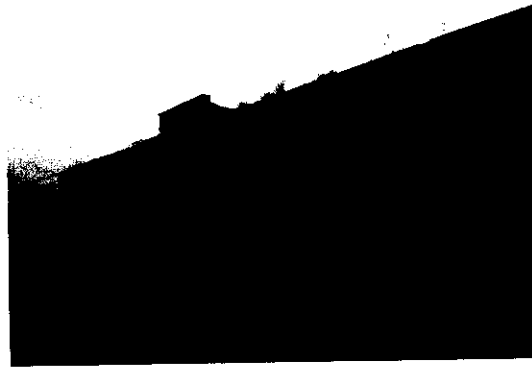
ینگه‌امام کاروان‌سرایی بود از بناهای سلاطین صفویه. چون قافله در آنجا کمتر منزل می‌کرد و بانی تعمیر نداشت، به تدریج خراب و کثیف و دزدگاه شد. بعد از آنکه مهمانخانه‌ها به این خط راه افتاد، همین کاروان‌سرا را تعمیر مفصلی کردند و حجرات اطراف آن را سفید نمودند و درهای «آغشته» (به درهایی گفته می‌شد که دارای جامه‌های بزرگ شیشه بود) گذاشتند و طویله‌های اطراف کاروان‌سرا را بعضی طویله و برخی انبار درست کرده و آب انبار خرابه قدیم که وسط کاروان‌سرا بود تعمیر و صحن کاروان‌سرا را باغچه و اشجار و گل‌کاری نمودند؛ و در روی همین کاروان‌سرا سردر عالی از نو بنا نهاد، که آن سردر مشتمل بر شش اتاق بزرگ و کوچک پاکیزه سفیدکاری است، که همه را فرش کرده و میل گذاشته‌اند و منزلگاه مسافران محترم است.

در جلوی این سردر و کاروان‌سرا، باغ بزرگی احداث شده که قریب دوازده جریب است. صحن کاروان‌سرا، مشتمل بر سه ایوان و بیست و چهار حجره است، که همه حجره‌ها اتاق شده و بعضی اتاقها حصیرفرش و میل مختصری دارد که منزلگاه مسافران محترم است و بعضی اتاقها منزل و انبار به جهت اجزاء و عملجات کسبه متوقفین آنجاست؛ و چون اینجا نیمه راه و مرکز است و انبار غالب راه در اینجاست و از اسباب تران‌تاس و غیره هر چه در بین راه بشکند و خراب شود از دو طرف به اینجا می‌آورند و باید علی‌الاصول تعمیر کنند، بدین واسطه این کسبه مفصله ذیل همیشه در اینجا متوقف و دکان دارند و مشغول کارند: سراج، نجار، حداد و نعلبند و بقال و قهوه‌چی در اینجا مثل سایر مهمانخانه‌هاست.^{۲۲}

از آنجا که «تسطیح این راه و مهمانخانه و پلها و قراول‌خانه‌ها» در حوالی سال ۱۲۹۶ق بوده، احداث باغ و گل‌کاری صحن و تعمیر بنا باید مربوط به همین سالها باشد. فراهانی در ادامه می‌نویسد که «در روی همین کاروان‌سرا سردر عالی از نو بنا نهاد» شد. از این گفته

ت ۱۱. (راست) ضلع جنوبی کاروان سرا. در این عکس آثار تغییرات دوره قاجار دیده میشود

ت ۱۲. (چپ) ورودی ضلع جنوبی که سدود شده است



بود. چند نکته در خاطرات ممتحن الدوله قابل توجه است: نخست اینکه در این زمان کاروان سرای مورد نظر چندان مورد توجه نبوده و حتی دزدگاه یا محل اجنه و اشرار بوده است.^{۲۴} دیگر آن که هنوز خبری از عنوان مهمانخانه نیست و این بنا با وجود تغییر و تبدیل و الحاق بالاخانه، همچنان کاروان سرا خوانده می شود.^{۲۵} بعید نیست که فکر ایجاد بالاخانه بر روی سردر ینگگی امام متأثر از بالاخانه (طبقه فوقانی یا شاهنشین) کاروان سراهای صفوی و قاجاری باشد.^{۲۶}

نکته دیگری که در بازشناسی دوره های حیات این کاروان سرا اهمیت دارد این است که پوشش کلیه اصطبلهای بنا در دوره ای که چندان بر ما روشن نیست، تجدید شده است. دلایل ما برای این ادعا نوع متفاوت خط قوس تویزه های سقف اصطبل و نوع آجر به کار رفته در آن است. همه تویزه های سقف و طاق غرفه های اصطبل با کمان نیم دایره ساخته شده است که استفاده از آن در دوره قاجار متداول شد. ضمناً ابعاد آجرهای این قسمت (پوشش تجدید شده) با قسمتهای اصلی و تغییر نیافته بنا، مانند ایوان صفوی ضلع شمالی و سردر و گنبدخانه ها و قسمتهای تحتانی بنا، متفاوت است. تغییرات کاروان سرا در زمان مشاهده ممتحن الدوله نسبت به زمان صفویه را عمدتاً می توان چنین برشمرد:

الف) انتقال ورودی از ضلع شرقی به ضلع جنوبی^{۲۷}

ب) احداث بالاخانه بر روی سردر

ج) تجدید پوشش اصطبلهای کاروان سرا^{۲۸}

تعیین تاریخ این تغییرات به سبب نبود منابع و مدارک روشن و کافی اندکی دشوار است. البته می توان بر اساس شواهد و قراین موجود و استدلالهای مبتنی

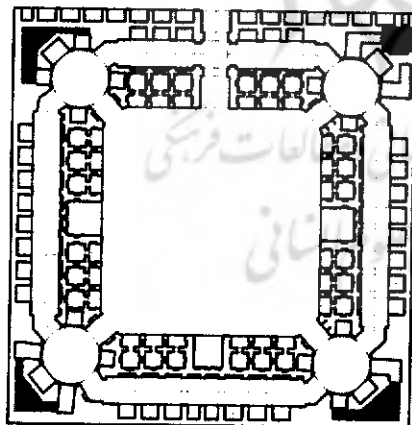
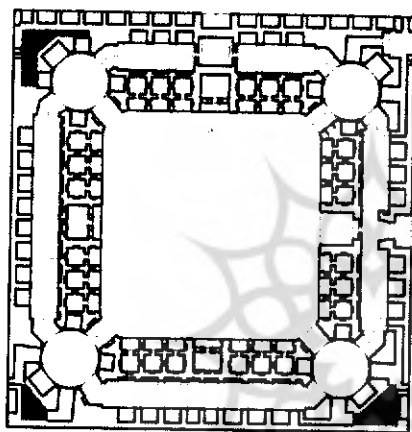
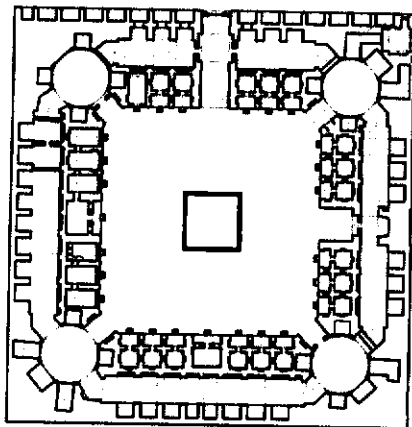
بر آن به تعیین تاریخی نسبی رسید. با توجه به موارد یاد شده و اسناد و شواهدی که ذیلاً ذکر خواهیم کرد، به نظر می رسد که دوره دوم رونق یا حیات این بنا مقارن با اواخر حکومت فتح علی شاه بوده باشد؛ به این سبب که پس از مرگ فتح علی شاه و هم زمان با ورود محمدشاه به دارالخلافه تهران برای جلوس، منزل ینگگی امام دایر بوده است.^{۲۹} از سویی، در منابع مربوط به اقدامات عمرانی و ساختمانی دوره سلطنت ناصرالدین شاه، مانند المآثر والآثار و مرآت البلدان و روضة الصفا، خبری دال بر تعمیر بنای ینگگی امام در سالهای پیش از سفر نخست ناصرالدین شاه به دست نیامد. بنا بر این، شاید دوره اول تعمیرات در زمان فتح علی شاه بوده باشد.

دوره آخر مداخلات ساختمانی در این بنا نزدیک به زمان سفر ناصرالدین شاه به فرنگ است. برای تعیین زمان مداخلات اخیر منابع کافی در دست است. از آن جمله، می توان به سفرنامه حاج سیاح رجوع کرد. او، که در سال ۱۲۹۶ق (تیر ۱۲۵۸ش) از تهران عازم رشت بوده، می نویسد:

صاحب الاغ گفت: «اگر می خواهید سه روزه به قزوین برسید، باید امروز به قشلاق برویم. این منزل [ینگگی امام] اعتبار ندارد و معروف است که برای پیازی، آدمی کشته اند.»^{۳۰}

بنا به گفته حاج سیاح، در سال ۱۲۹۶ق کاروان سرا محل مناسبی برای اقامت نبوده است. ولی او وقتی که در سال ۱۳۰۰ق (آذر ۱۲۶۱ش) از همین راه از قزوین به تهران بازگشته، مهمانخانه های سراسر راه را بسیار مطلوب یافته است: «به ینگگی امام آمدم. دیدم در آن جای خطرناک هم مهمانخانه خوبی بنا کرده و آبادی زیاد نموده اند.»^{۳۱}

ت ۱۳. مقایسه پلان
کاروان‌سرای ینگی‌امام
در سه دوره (از پایین به
بالا): صفویه، قاجاریه،
وضع موجود، مأخذ:
نظری، بررسی جایگاه
فرهنگی کاروان‌سرا



بنا بر این، بازسازی و مرمت راه و مهمانخانه‌ها در سالهای ۱۲۹۶-۱۳۰۰ ق (۱۲۵۸-۱۲۶۱ ش) انجام گرفته است. تقویم مرمت و راه‌اندازی این بنا به استناد سیاحت‌نامه یوشیدا ماساهارو^(۳) به زمان نخستین مسافرت شاه به اروپا باز می‌گردد. ۳۲ با توجه به اینکه یوشیدا ماساهارو در ۱۲۹۷-۱۲۹۸ ق می‌نویسد این راه مرمت شده، می‌توان همین تاریخ را برای مرمت کاروان‌سرا منظور کرد. کاروان‌سرا در زمان بازدید یوشیدا ماساهارو تعمیر و تجهیز شده بود:

شب را در ینگه‌امام ماندیم. اینجا هوا بسیار سرد بود، و سرما تا مغز استخوانم نفوذ کرد. خوش‌بختانه کاروان‌سرای ینگه‌امام از سنگ ساخته شده [؟] و اتاقهای تخت‌خواب‌دار بود و در اتاق ناهارخوری هم میز و صندلی چیده بودند. در ناهارخانه این ایستگاه، غذای روسی خوردیم، که مزه کرد و همه سیر شدیم.^{۳۳}

ماساهارو پیش از حریق بالاخانه در این کاروان‌سرا (یا مهمانخانه) اقامت کرده بود و توصیف وی از ناهارخانه و جز آن مربوط به بالاخانه است، که محل پذیرایی از مهمانان محترم و افراد خاص بوده؛ و گرنه حجرات کوچک کاروان‌سرا امکان گنجایش میز و صندلی و جز آن را ندارد. فوروکاوا^(۴) (۱۸۴۸-۱۹۱۸ م) عضو نخستین هیئت فرستاده امپراتوری ژاپن به ایران بود که همراه با یوشیدا ماساهارو در سال ۱۲۹۷ ق / ۱۸۸۰ م به ایران آمد:

در جاده هوار راندم، تا که در ساعت هفت و نیم در کاروان‌سرای ینگی‌امام فرود آمدیم. اینجا مهمان‌سرای برای استراحت شاه، و با حصار و برج بلند به کاخ تابستانی مانند بود. ما در اتاق طبقه اول این ساختمان منزل گرفتیم.^{۳۴}

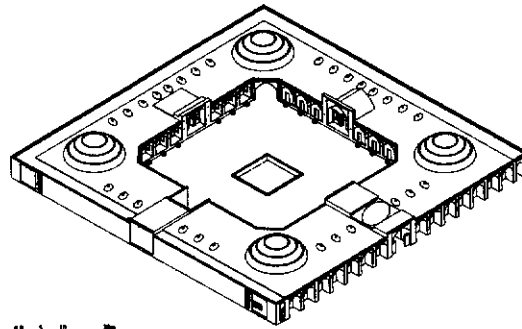
مهمانخانه‌ها و چاپارخانه‌های راه تهران- قزوین با الگوی مهمانخانه‌های فرنگ ساخته شده است. وصف فوروکاوا از مهمانخانه شاه‌آباد به خوبی این موضوع را بیان می‌کند:

چاپارخانه شاه‌آباد. هنگام ظهر به شاه‌آباد رسیدیم و در چاپارخانه اینجا فرود آمدیم. گویا مسافت راهی که پیمودیم [از تهران تا شاه‌آباد] چهار فرسخ بود. بنا و نمای چاپارخانه اینجا با چاپارخانه‌هایی که در مسیر جنوب دیدیم یکسره تفاوت داشت. بنای آن به طرز فرنگی و اتاقهایش با میز و صندلی و تخت‌خواب

مبله شده بود و چراغ و بخاری داشت. جای و شراب و برنج و گوشت هم فراهم بود. در مقایسه اینجا با چاپارخانه‌های مسیر آمدگان به تهران در جنوب، به‌راستی تفاوتی از زمین تا آسمان می‌دیدیم. این جاده به ملاحظه اینکه شاه و اعیان و بزرگان دولت بارها در

(3) Yoshida Masaharu

(4) Furukawa Nobuyoshi



شکل ۱۴

آن سفر و گذر می‌کنند، باید چنین خوب و مجهز ساخت
شده باشد.^{۳۵}

در تبدیل کاروان‌سرای ینگ‌امام به مهمانخانه تغییرات فراوانی در آن دادند، که مختصراً ذکر می‌کنیم: بر فراز ایوان جنوبی، عمارتی به شکل کاخهای تابستانی سلاطین قاجار بنا شده و آن را به طرز مهمانخانه‌های فرنگی مجهز و مبیل کرده‌اند. محوطه ضلع جنوبی کاروان‌سرا را با دیواری خشتی محصور و در آن گل‌کاری و درخت‌کاری کرده‌اند. چنان‌که در تصاویر تاریخی دیده می‌شود، این حصار سه ورودی داشته، با سردری با دو مناره کوتاه.

در گزارش فراهانی، کاروان‌سرای ینگ‌امام سه ایوان دارد. ایوان چهارم ایوان ضلع جنوبی است که اکنون طاق ندارد و سابقاً بالاخانه بر فراز آن قرار داشته، و به همین سبب، از نظر ناظرین ایوان محسوب نمی‌شود. پوشش ایوان شرقی و غربی تجدید و با قوس کللی اجرا شده است. این ایوانها از ایوان صفوی ضلع شمالی کوتاه‌تر شده است. در چهار گوشه بنا، چهار ایوان به فضای بیرون باز می‌شود: دو ایوان در ضلع جنوبی و دو ایوان در ضلع شمالی. برای ایوانهای مزبور در ضلع شمالی، سردری با دو گلدسته کوچک برپا شده، که در تصاویر تاریخی نمایان است. در رأس گنبد‌های واقع در گوشه‌های بنا، روشن‌دانهایی دیده می‌شود که اکنون وجود ندارد و معلوم نیست که از روزگار صفویه وجود داشته و یا از الحاقات زمان قاجاریه است. هر روشن‌دان شبیه چهارطاقی کوچکی است که از چهارسو باز است و گنبدی کوچک دارد.

مهمانخانه ینگ‌امام تا سال ۱۳۱۶ ق برجا و دایر بود؛ اما در حین مسافرت وزیر مختار آلمان، دچار حریق شد. امین‌الدوله (۱۲۶۰-۱۳۲۲ ق) در سال ۱۳۱۶ ق از سوختن بالاخانه یاد کرده است:

سه‌ساعت به غروب مانده به ینگ‌امام رسیدیم. بالاخانه‌ها [که] قدری برای اقامت مناسب بود، در عبور وزیر مختار آلمان سوخته، قابل سکنا نیست. در اتاق رو به مغرب کاروان‌سرا، که بخاری آهنی دارد و بالنسبه بد نیست، رحل اقامت افکندیم. به بام کاروان‌سرا رفتیم که سوختن سقفهای بالاخانه‌ها را معاینه کنیم. هوا به قدری خوب و معتدل بود که ساعتی فرج بام و منظر صحرا مشغولمان کرد. معین‌الملک تفتنگ خواست و چند تیر گلوله به نشانه‌ای که در تپه مشرف به باغ فرض شده بود انداختیم.^{۳۶}

از اینکه بعد از این آتش‌سوزی، بالاخانه تعمیر شده یا نه، اطلاعی نیافتیم. مظفرالدین‌شاه در نخستین سفرش به فرنگستان، که در اواخر سال ۱۳۱۷ ق (۱۹۰۰ م) به منظور تماشای نمایشگاه‌های بین‌المللی اروپا صورت گرفت، در مهمانخانه ینگ‌امام اقامت می‌کند:

رسیدیم به مهمانخانه ینگ‌امام. لدی‌الورود نهار خورده قدری خوابیدیم. باد زیادی می‌وزید. قدری هم باران بارید. وقتی چشم ما به مهمانخانه ینگ‌امام افتاد، به خاطرمان آمد مسافرت سنه هزار و سیصد و پنجم، که در اواخر پاییز و هوای بسیار سرد از تهران به تبریز می‌رفتیم. به قدری هوا سرد بود که در همین مهمانخانه وقت صبح آب در دستمان بود؛ به مجرد اینکه به زمین می‌ریخت، یخ می‌بست و نمی‌شد از سرما نفس کشید. خلاصه چون امشب عید غدیر بود، موزیگانچه‌ها را فرمودیم خبر کردند، آمدند قدری موزیگان زده رفتند.^{۳۷}

او در بازگشت از سفر در همین مهمانخانه منزل کرد و تغییری در وضع آن نیافت:

روز پنجشنبه بیست‌وهشتم رجب. امروز از اینجا به ینگ‌امام رفتیم. صبح باز سوار شده حرکت کردیم [...] صحبت‌کنان آمدیم تا به منزل و نهار را در منزل خوردیم. منزل همان عمارت و اتاقهایی است که وقت رفتن به فرنگستان هم منزل کردیم. تا شب اتصالاً باران می‌بارید. شب را بجمده الله به سلامت و خوشی گذراندیم.^{۳۸}

مظفرالدین‌شاه در توصیف مهمانخانه از ماجرای سوختن بالاخانه یاد نمی‌کند و در راه رفتن به فرنگ با دیدن این بنا به یاد سفر سال ۱۳۰۵ ق می‌افتد. در آن تاریخ، عمارت بالاخانه موجود بوده؛ اما در این تاریخ،

یعنی ۱۳۱۷ق، بنا به گزارش امین‌الدوله، سوخته و از بین رفته است. مظفرالدین‌شاه این تفاوت را ندیده، یا دست‌کم از آن یاد نکرده است.

در روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، در دوره نیابت سلطنت عضدالملک قاجار (۱۳۲۷ ق)، از وضع این بنا بعد از مراجعت مظفرالدین‌شاه یاد شده است:

در ینگی‌امام برای تحصیل مشروبی پیاده شدیم. من و ملک‌آرا داخل کاروان‌سرای قدیم شاه عباسی [شدیم]، که حالا مهمانخانه شده و از سالهای قبل هم به مراتب مخروبه‌تر و کثیف‌تر [شده].^{۳۹}

باری در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ق (دوره نیابت سلطنت عضدالملک)، این مهمانخانه (و احتمالاً دیگر منازل این راه) دوباره کثیف و ویران شده و چندان قابل استفاده نبوده است.

از جمله حوادث مهمی که در این کاروان‌سرا رخ داده، استقبال از مظفرالدین‌شاه (بعد از قتل ناصرالدین‌شاه) به هنگام ورود به تهران است. میرزا حسین‌خان دیوان‌بینگی می‌نویسد:

در روز ۱۴ ذی‌قعدة [۱۳۱۳ق]، [...] رفتیم به قریه ینگی‌امام، ملک‌صدر اعظم [امین‌السلطان]، تا جمعه ۲۳ [ذی‌قعدة] در آنجا برای تشریفات ورود سلطنت جدید ماندیم. مظفرالدین‌شاه در این روز وارد شد. خلاصه از هر قبیل تشریفات و سیورسات از شهر به آنجا از طرف صدر اعظم حمل شده بود؛ مخصوصاً در اتاق شاه، که یکی از اتاقهای کاروان‌سرای آنجا که از بناهای شاه عباس و الآن مهمانخانه و جای باصفائی است، میوه و شیرینی و غیره چیده بودیم و یکصد دانه اشرفی سکه مظفرالدین‌شاه، که اول پولی بود به اسم او سکه شده بود، با یک طاقه شال کشمیری اعلا گذاشته بودیم [...] طرف عصر، شاه تازه وارد شد. نقاره‌خانه و زنبورک‌خانه هم رفته بود تا قزوین. در ورود شلیک کردند و جلوش نقاره‌خانه می‌زدند. ترکهای تبریزی گرسنه، که سی‌وینج سال ریاضت چنین روزی را می‌کشیدند، ریختند. مسلمان نشنود، کافر نبیند؛ چه رذالتهای کردند [...] شاه در میان کاروان‌سرای مذکور بنا کرد به تفنگ انداختن.^{۴۰}

با بررسی اخبار تاریخی، صفوی بودن اساس کاروان‌سرای ینگی‌امام مسلم می‌شود. این بنا در عهد قاجاریه، در سالهای ۱۲۹۶-۱۳۰۰ق، به مهمانخانه تبدیل شد و بر فراز ایوان ضلع جنوبی‌اش بالاخانه‌ای مشتمل

بر شش اتاق بزرگ و کوچک ساختند. این بالاخانه در حدود سنه ۱۳۱۶ق دچار حریق شد و چیزی جانشین آن نشد. مجدداً در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ق، متروک شد و رو به ویرانی نهاد. از چهار دهه پیش، این بنا در اختیار نیروهای نظامی قرار گرفت و تا چند سال پیش پاسگاه انتظامی بود. اکنون این بنا متروک است.

۳. جمع‌بندی

کاروان‌سرای ینگی‌امام از بدو احداث تا امروز دستخوش تغییرات بسیاری بوده است. این تغییرات، که به منظور منطبق ساختن کالبد کاروان‌سرا با کاربریهای بعدی اعمال شد، علاوه بر دگرگون ساختن چهره بنا، مفهوم کاروان‌سرا را نیز دگرگون کرد؛ به نحوی که در دوره سوم رونق و بر اساس منابع تاریخی، فعالیت آن با کاربری مهمانخانه آغاز شد. در این دوره، بالاخانه‌ای روی ایوان جنوبی ساختند که شکل آن بسیار شبیه کوشکهای قاجاری است؛ و ائات و تأسیسات داخلی آن هم نظیر مهمانخانه‌های فرنگی است. ترکیب جدید کاروان‌سرا - بالاخانه سبب تغییرات اساسی در کالبد و محتوای کاروان‌سرا شد. سیر تغییرات این بنا در گذر زمان به اختصار چنین است:

بر پایه منابع تاریخی، ینگی‌امام کاروان‌سرای است که در دوره صفویه با طرحی شبیه کاروان‌سراهای آن روزگار برپا شد. به احتمال، به مدتی نامعلوم متروک و مخروب شد؛ تا اینکه اوایل حکومت سلسله قاجار (به احتمال دوره فتح‌علی‌شاه) آن را تعمیر کردند. در آن زمان، ورودی اصلی در جناح شرقی را بستند و ورودی دیگری در ضلع جنوبی کاروان‌سرا گشودند. بر بالای ورودی جدید، بالاخانه‌ای ساختند. گمان می‌رود این آشکوب الحاقی مانند بالاخانه سردر کاروان‌سراهای قدیم بوده باشد.

بار دیگر این کاروان‌سرا متروک و بی‌استفاده شد؛ تا اینکه در سال ۱۲۹۶ق، که راه تهران - قزوین را به مناسبت سفر اول ناصرالدین‌شاه به فرنگ تعمیر و تجهیز کردند، این بنا را چون مهمانخانه‌های فرنگی آباد ساختند. با ایجاد بالاخانه و ساختن باغ و حصار پیرامون، کاروان‌سرا به ترکیب جدید باغ-کاروان‌سرا تبدیل شد. در این ترکیب نوظهور، کاروان‌سرای ینگی‌امام (ترجیحاً بنای ینگی‌امام) مهمانخانه‌ای بود در درون کاروان‌سرای

سنتی، که صحن آن را با اشجار و ریاحین زینت مفصل کرده بودند. در محدوده جنوبی بنا هم باغی ساختند که کاروان سرا بدان راه دارد؛ و علاوه بر بالاخانه، در ایوانهای بیرونی واقع در گوشه‌ها نیز صفاهایی برای آسایش و التذاذ و حظ بصر و نظر ساختند.

تلفیق عمارت بالاخانه با کاروان‌سرای ینگگی امام بیش از آنکه کالبد بنا را متأثر سازد، مفهوم بنا را در معرض دگرگونی قرار داد. گرچه مفهوم کاروان‌سرا در ظاهر تفاوتی با مهمانخانه ندارد؛ معنای خاص آنها متفاوت است. در مهمانخانه ینگگی امام، طرز پذیرش میهمان و آداب پذیرایی و فراهم آوردن اسباب آسایش مهمان تغییر اساسی یافت و تا حد امکان برای رفاه و آسایش مراجعان خدمات و تأسیسات تدارک دیده‌اند؛ از جمله، باغی برای گلگشت و تفریح، نهارخانه‌ای مجهز به میز و صندلی، اتاقهای مجزا، اسباب و اثاث و جز آن. در دوره سوم فعالیت، بنا را به سربازخانه تبدیل کردند و متناسب با آن، در کالبد بنا نیز تغییراتی دادند. □

کتاب‌نامه

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدینشاه)*. به کوشش ایرج افشار. تهران، ۱۳۶۳.

_____ . *روزنامه خاطرات*، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

_____ . *مرآت البلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهانس محمدت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

امین‌الدوله، حاج میرزا علی‌خان. *سفرنامه*. به کوشش اسلام کاظمیه، با مقدمه دکتر علی امینی، تهران، توس، ۱۳۵۴.

اوین، اوژن. *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)*، ترجمه و حواشی و توضیحات از دکتر علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲.

بل، گرتروید. *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.

یولاک، یاکوب ادوارد. *سفرنامه یولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاناندازی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.

جعفری، عباس. *گیتاشناسی ایران*، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۸۴، ج ۳.

حاج سیاح حلاق، محمدعلی. *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹.

حسام‌السلطنه، مراد میرزا. *سفرنامه مکه*، به کوشش رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۷۴.

دیوان‌بیکگی، میرزا حسین خان. *خاطرات (کردستان و طهران)*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.

فراهانی، میرزا حسین. *سفرنامه*، به اهتمام حافظ فرمانفرمائیان، مرکز تحقیق و مطالعه و تمدن و فرهنگ ایران و خاورمیانه دانشکده ادبیات، تهران، ۱۳۴۲.

فوریه، ارنست. *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۶.

فوروکاوا، نوبویوشی. *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی‌ته اورا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور. *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ج ۴.

لسترنج، گای. *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مظفردین‌شاه قاجار. *سفرنامه فرنگستان (سفر اول)*، مقدمه و فهرستها از امیر شیرازی، تهران، شرق، ۱۳۶۳.

ممتحن‌الدوله خانشقاقی، میرزا مهدی خان. *خاطرات ممتحن‌الدوله*، به کوشش حسینقلی خانشقاقی، تهران، فردوسی و فرهنگ، ۱۳۶۲.

نظری، فرهاد و ذات‌الله نیک‌زاد. «معماری در دربار سلطان صاحب‌قران»، در: *گلستان هنر*، ش ۹ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۲۶-۵۱.

هدایت، رضاقلی خان. *روضه الصفای ناصری*، تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵.

پی‌نوشتها:

۱. «ینگگی امام (yengi emam): ده، بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ، استان تهران. هشتگرد ۱۱۲ درجه، ۵ کیلومتر ارتفاع ۱۳۰۵ متر. معتدل، خشک. سر راه کرج به هشتگرد». س. جعفری، *گیتاشناسی ایران*، ص ۱۳۵۵. ینگگه‌امام نام محلی در بخش مرکزی شهرستان ساوه است؛ نک: همان، ص ۱۳۵۴.

۲. به گفته لسترنج، ساوجبلاغ در زبان ترکی به معنی «چشمه‌های سرد» است؛ و به قول حمدالله مستوفی، «ولایتی است که در اوآن سلاحه مال به ری می‌داده و در عهد مغول سوا شده. هوایی بغایت خوب دارد. اکثر ایش از قنوات است. میوه و غاه بسیار می‌باشد و نانش در غایت نیکو و حقوق دیوانی او دوازده‌هزار دینار مقرر است و از اعظم قرای آنجا سنقرآباد است [...] و الحال خراب است». سنقرآباد هنوز باقی و از مزیلهای مهمی است که حمدالله مستوفی در شرح راهها از آن نام برده است. در این خصوص، نک: لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ص ۲۳۵.

۳. در تصویری که از روی تل باستانی مجاور کاروان‌سرا برداشته شده، برج و باروی روستای ینگگی امام نمایان است و در آن سردر مفصلی در دوطبقه مشاهده می‌گردد.

۴. حاج سیاح، *خاطرات حاج سیاح*، ص ۲۰۳.

۵. اورسل، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ص ۲۱۴.

۶. میرزا حسین خان فراهانی، *سفرنامه*، ص ۸.
۷. منظور چهار ایوان در شکل اصلی است؛ زیرا ایوان ضلع جنوبی در حال حاضر وجود ندارد و احتمالاً از شکل ایوان خارج شده و در آتش‌سوزی حوالی سنه ۱۳۲۷ ق سقف آن از بین رفته است.
۸. دیوان‌بینگی، *خاطرات (کردستان و طهران)*، ص ۲۰۸.
۹. در بایگانه‌های سازمان اوقاف و سازمان میراث فرهنگی سندی یافت نشد که بتواند به این سؤال پاسخ دهد.
۱۰. میرزا علی خان لقب امین‌الملک را در تاریخ ۱۲۹۴ ق و لقب امین‌الدوله را در تاریخ ۱۲۹۹ ق را از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد. وی در رمضان ۱۳۱۴ ق وزیر اعظم و پنج‌ماه بعد صدر اعظم مظفرالدین‌شاه شد. برای اطلاع بیشتر، نک: بامداد، *شرح حال رجال ایران*، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۶۶.
۱۱. در نوشته‌های پیش از دوره قاجار، نام و نشانی از این بنا یافت نشد و اعتقاد ما بر صفوی بودن آن به اعتبار نوشته‌های دوره قاجار است که به آنها خواهیم پرداخت.
۱۲. فراهانی، همان، ص ۶-۷.
۱۳. گرتروید بل، *تصویرهایی از ایران*، صص ۸۲-۸۴.
۱۴. عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ص ۲۹۷۱.
۱۵. دیوان‌بینگی، *خاطرات*، صص ۲۰۸-۲۱۰.
۱۶. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات*، ص ۶۳۳. «دوشنبه ۱۴ شعبان سنه ۱۳۰۶ ق». دیشب، که به حکم همایون هرچه گدا بود در اردو آورده به مهمانخانه حبیب نموده بودند، قال و قبل جمعیت نگذاشت تا صبح بخوام». همان، ص ۶۳۳.
۱۷. راه تهران- قزوین در فاصله سالهای ۱۲۹۶ و ۱۲۹۹ ق بازسازی شد و ظاهراً بگانه راه کالسکه‌رو ایران در زمان خود بوده است. این راه به چشم رجال و کارگزاران دولتی مایه مباهات و به نظر مراجعان خارجی فاقد معیارها و استانداردهای لازم بوده است. برای آگاهی از کیفیت و چگونگی احداث این راه نک: نظری و نیک‌زاد، *معماری در دربار سلطان صاحب‌قران*، ص ۴۴.
۱۸. دکتر بولاک در سال ۱۲۷۲ ق، پس از مرگ دکتر کلوک و پیش از استخدام دکتر طولوزان، طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه بود. اعتمادالسلطنه، *مرآت البلدان*، ج ۲، ص ۱۸۱.
۱۹. بولاک، *سفرنامه بولاک، ایران و ایرانیان*، ص ۳۰۴.
۲۰. حسام‌السلطنه، *سفرنامه مکه*، ص ۲۸.
۲۱. فراهانی، همان، ص ۶.
۲۲. فراهانی، همان، ص ۶-۷.
۲۳. متحن‌الدوله، *خاطرات متحن‌الدوله*، ص ۱۴۶. «متحن‌الدوله اولین مهندس (ارشیبتکت) معمار ایرانی است که از پدر و مادری مسلمان و مهن‌پرست در سال ۱۲۶۳ هجری قمری، مطابق ۱۲۲۳ شمسی (۱۸۴۳ م) در تهران در محله سنگلج متولد شد و پس از چند سال تحصیل در مکتب سرخانه و در مدرسه دارالفنون جدیدالتاسیس در ۱۲۷۶ ق، مطابق ۱۲۳۶ شمسی (۱۸۵۷ م)، در اثر یک سلسله اتفاقات خانوادگی به دستور شخص ناصرالدین‌شاه با اولین هیتت محصلین به پارسی اعزام شد و بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ گواهی‌نامه مهندسی معماری در مدرسه عالی اکل نورمال سوپریو دوپاری و دانشکده معماری پاریس در سال ۱۲۴۳ ش (۱۸۶۴ م) به ایران بازگشت نمود». همان، ص ۳۵.
۲۴. متحن‌الدوله ماجرای دستگیری چند نفر از اشرار را که در طولیله‌های بنا منزل کرده بودند مفصلاً بیان کرده است.
۲۵. نک: بولاک، همان.
۲۶. نمونه‌های متعددی از این کاروان‌سراها (دارای بالاخانه) به جای مانده است؛ مثلاً کاروان‌سرای ده‌نک در راه گرمسار- سمنان؛
- کاروان‌سرای آهوان در راه سمنان- دامغان؛ کاروان‌سرای قوشه در راه سمنان- دامغان؛ کاروان‌سرای باغ شیخ در نزدیکی ساوه.
۲۷. این ورودی که کلیت آن از روی تصاویر زمان قاجار و چند سیاحت‌نامه همان دوره مشخص می‌شود، در امتداد ایوان جنوبی و به محوطه جنوبی بنا برای تردد باز شده است. اکنون آثار و محل آن در جبهه جنوبی بنا مرئی است.
۲۸. به نظر می‌رسد طاق بیشتر حجره‌ها در این دوره از شکل چهاربخشی خارج و با طاق آهنگ اجرا شده است. ورود به شترخانها مانند گذشته از گوشه‌های صحن صورت می‌گیرد و گنبدخانه‌ها بی‌تغییر مانده است. پوشش همه شترخانها تجدید شده و تویزه‌ها با قوس نیم‌دایره اجرا شده است.
۲۹. «و چون خال دیگر پادشاه بی‌همال، میرزا محمدخان، بیگلربیگی دارالخلافه، در این ایام در ری بود، همانا بدو ایامی یا خطی رسیده سرکردگان مازندرانی و هزارجریبی را که به محافظت ارک مبارکه سلطانی مامور بودند احضار کرده شرح واقعه و وارث تاج و تخت را به قزوین و مخدول بودن مأمورین علی‌التفصیل بدیشان معلوم داشت؛ و قرار بر این نهادند که ایشان نیز در دارالخلافه به خدمتی قدمتی جویند. لهذا اجتماعی و اتفاقی کرده سرکار وزیرالنائی، محمدجعفرخان کاشانی، را مأخوذ و منکوب ساخته اموالش را به ضبط درآورده، آن‌گاه به اجتماع شرف‌یاب خدمت عادل‌شاه گردیده با وجود قرب جوار ولی عهد خاقان قاجار، به دوسه مغزی او را از جلوس بر تخت صاحب‌قران منع کردند.
- ظل السلطان ناکام و ناچار به حرم‌خانه رفته به تقدیر آسمانی تسلیم شد. همانا منزلتاً نود روز مدت ملکش در دارالخلافه امتداد یافته بود. و عریضه آن امیر باندبیر در منزل ینگ‌امام در این باب به حضرت اقدس رسیده از کار دارالملک استحضار یافته، سهولت این همه امور اصبه را از فضل پروردگار دانسته». هدایت، *روضه الصفای ناصری*، ج ۱۰، ص ۸۱۴۹.
۳۰. حاج سیاح، *خاطرات حاج سیاح*، ص ۲۰۳.
۳۱. همان، ص ۲۷۶. اورسل در مراجعت از قزوین به تهران در سال ۱۳۰۰ ق می‌نویسد: «ایستگاه جدید متصل به کاروان‌سرای قدیمی که خوب به جای مانده، از منزلگاههای قبلی کوچک‌تر، ولی مثل آنها دارای حوضی با آب زلال و باغچه مرتبی بود. نزدیک این منزل، مقبره‌ای قرار داشت؛ به طوری که متولی آنجا می‌گفت این مقبره متعلق به جنگجویان زمانهای قدیم است که هنوز به درستی درباره آنها تحقیق نشده است». — اورسل، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ص ۲۱۴.
۳۲. سفرهای سه‌گانه ناصرالدین‌شاه به فرنگ: نخستین سفر او در سال ۱۲۹۰ ق بود؛ دومین سفر «از روز پنج شنبه سلخ ربیع الاول ۱۲۹۵ ق (۱۲۵۷ ش)» آغاز شد و او «نهم شهر شعبان» ۱۲۹۵ «به تهران رسید»؛ سومین سفر او از ۱۲ شعبان ۱۳۰۶ ق (۲۴ فروردین ۱۲۶۸ ش) تا ۲۴ صفر ۱۳۰۷ ق (۲۸ مهر ۱۲۶۸ ش) طول کشید.
۳۳. ماساهازو، *سفرنامه*، ص ۲۲۲.
۳۴. فوروکاوا، *سفرنامه فوروکاوا*، ص ۲۷۲.
۳۵. همان‌جا.
۳۶. امین‌الدوله، *سفرنامه*، صص ۵-۱۶.
۳۷. مظفرالدین‌شاه، *سفرنامه فرنگستان*، ص ۱۲. تقویم این سفر چنین است: حرکت از تهران، پنج‌شنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳۱۷ ق؛ بازگشت، یکشنبه ۲ شعبان ۱۳۱۸ ق؛ مدت: ۷ ماه و ۲۰ روز.
۳۸. مظفرالدین‌شاه، همان، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.
۳۹. عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ص ۲۹۷۱.
۴۰. دیوان‌بینگی، *خاطرات*، ص ۲۰۸-۲۱۰.